



پرونده

تاریخ ادبیات و اندیشه در فرانسه

قرن بیستم

(بخش نخست)

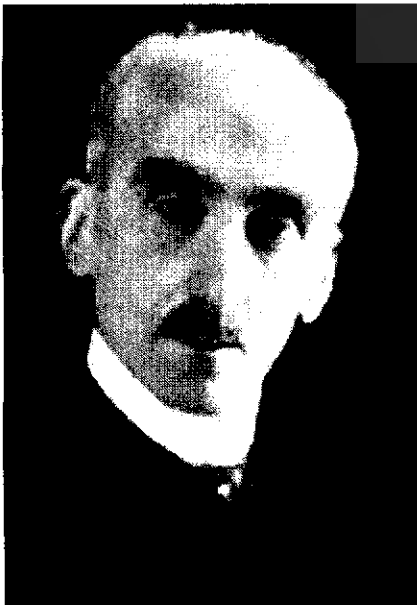
ژان - کلود برتون

JEAN - CLAUD BERTON

● حمید کریم خانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مركز جامع علوم انسانی



دریچه

سال ۱۹۰۰

عصر طلایی

آیا این عصر طلایی است؟ روسپی‌ها و عیاش‌ها و کارگران پاریسی در کافه‌ها آواز می‌خوانند. «امیل زولا»، «لئون دوده» و «پی‌یر لوتی» نیز گاهی در آن‌جا دیده می‌شوند. «هانری دو تولوز - لوترک» از هنرمندان «مولن روز»، «فولی برژ» و «با - تا - کلان» نقاشی می‌کند. «کولت» رمان‌نویس جوان که اولین جلد از سری کتاب‌های «کلودین» را به همراه شوهرش «ویلی» به چاپ رسانده است، روی بین موزیک‌هال رسوایی بمبار می‌آورد و روابط زنانه‌اش را فاش می‌کند.

سندیکاها

اما فردا سه‌شنبه است و در حالی‌که تمام پاریس با کالسکه به «مخلمه‌های زیبا» برمی‌گردد، کارگرها در کارخانه پدیدار می‌شوند. آن‌ها که مدت‌ها بیکاری را تحمل کرده‌اند در سندیکاها متحد می‌شوند و یگانه حق قانونی‌شان را که کار است مطالبه می‌کنند مردم از روستاها به طرف شهرها هجوم می‌برند و باعث معضل مسکن می‌شوند و آن‌گونه که «ورهادن» مجسم می‌کند در «حومه‌های سرک کشیده» مستقر می‌شوند.

آن‌چه پیش روی شماست خلاصه‌ای از تاریخ ادبیات قرن بیستم فرانسه است که کوشش شده در حد امکان اطلاعات مورد نیاز را ارائه دهد. اگر به علت گزیده‌گویی، نویسنده‌ها یا آثاری از قلم اقتاده‌اند و یا به اشارهای کوتاه در مورد آن‌ها اکتفا شده است به این دلیل است که در مباحث فراتر ادبیات معاصر و یا در بحث جنبش‌های ادبی در مورد آن‌ها صحبت شده است چرا که صحبت پیرامون آن‌ها در بطن این مباحث آسان‌تر به نظر می‌رسید.

این مجموعه با استفاده از آثار پنجاه نویسنده شاخص و یا تک پژوهی‌هایی که مختص به اکثر نماینده‌های اصلی آفرینش‌های ادبی بوده‌اند طرح‌ریزی شده است که شامل بخش‌های بیوگرافیک، آنالیزهای دقیق و نقل قول‌هاست. جریان‌های مهمی که عرصه‌های متفاوتی مثل شعر، رمان، تئاتر و نقد را مشخص می‌کنند در قسمت‌های میانی پراکنده شده‌اند که رشته‌ها را تشکیل می‌دهند. هر یک از پنج فصل که قرن را براساس اطلاعات تاریخی‌اش تکه تکه می‌کند، با توجه به رابطه‌ای که با ادبیات داشته است با ترسیم دورنمایی از حوادث اصلی آغاز شده است.

بخشی از مجموعه که تحت عنوان «دریچه» به شکل مجزا ارائه شده، به منظور ارائه چشم‌اندازهایی ویژه و گشودن تاریخ ادبیات به طور مستقیم به هنرهای دیگر - مثل نقاشی، موسیقی یا سینما - بوده است. «روش مقایسه‌ای» منجر به آگاهی از استقلال ملی آثار ادبی می‌شود و توجه به نویسندگان و جنبش‌های ادبی سایر ملل نه تنها مفید بلکه ضروری است.

به هنگام نگارش این مقاله، قرن به پایان نرسیده و نویسنده نخواست است به خاطر افزایش حجم این نوشته، دست به انتخاب‌هایی بزند که به دلیل علایق شخصی یا پیش‌گویی‌های ماجراجویانه بر او تحمیل شده باشد.

قرن بیستم در مسیری مستقیم

قرن بیستم، قرن خوشبختی خواهد بود

ویکتور هرگو: بیتوایان

قرن بیستم مصادف با حوادث سیاسی و جنبش‌های ادبی بوده است و در گذر از چنین تاریخی، تحولات ادبی با نوعی تکه تکه شدن رقم خورده است. این قرن همچون میراثی شوم با جنگ ظاهر می‌شود. قبل از جنگ، بعد از جنگ، بین دو جنگ، گویا جنگ لازمه انسان معاصر شده است. هنگامی که انسان در آن به سر نمی‌برد به شدت از آن می‌هراسد و هر جنگ، بین عصری که پشت سر گذاشته می‌شود و دوره‌ای که جانشین آن خواهد شد چنان پرتگاهی ایجاد می‌کند که دوام اندیشه‌ها و اسلوب‌ها به نابودی کشیده می‌شود. خودمان را از جنگ ۱۸ - ۱۹۱۴ به زحمت بیرون کشیده‌ایم که جنگ ۴۵ - ۱۹۳۹ در چشم‌انداز می‌غرد. جنگ‌های هندوچین و الجزایر، تا سال ۱۹۶۲ که صلح محقق می‌شود لحظه‌ای فرانسه را راحت نمی‌گذارند. در خارج از فرانسه، انقلاب روسیه (۱۹۱۷) و جنگ داخلی اسپانیا (۱۹۳۶) که باعث اوج‌گیری همزمان آفت‌های ایسم (استالینیسیم، نازیسم، فاشیسم) می‌شوند، نیروی مردم را بسیج می‌کند و حساسیت نویسندگان را برمی‌انگیزاند.

به هراسی که به‌خاطر قتل عام‌ها و قربانی‌های به وجود آمده از جنگ بر انسان‌ها حاکم شده، هراس متفاوتی هم اضافه می‌شود. «فریاد» از روی ناشناخته‌های ضمیرمان پرده برمی‌دارد و به انسان فرصت می‌دهد تا درباره فطرت، تقدیر و حتی هستی‌اش، از خود سوال کند و این در حالی است که ترس انسان در

دریچه

G با این حال، اختراعات مشخصی برای بهبود وضع زندگی فردای آن‌ها به وجود می‌آید؛ هواپیما، راه آهن شهری، سینما الکترونیسته، رادیوم.

هنر مدرن

G هنر جدید، مدرن استیل، به سردرها اشیای زینتی، جلد کتاب‌ها، آرگها ایستگاه‌های مترو با استفاده از سنجاق‌ها و قورباغه‌ها و پیچک‌ها و نیلوفرهای آبی زینت می‌بخشد. گلدان‌های گاله Gallé و لالیک Lalique و آفیش‌های موشال Mucha نشان می‌دهند که خطوط ناهموار و اغراط در تزئین سلیقه این دوره بوده است.

پیرها

و

جوان‌های آغاز قرن

G «امیل زولا» ۶۰ سال دارد

«آنتول فرانس» ۵۶، «پی‌یر لوتی» ۵۰
«هانری برگسون» ۴۱، «پل کلودل» ۳۲
«آندره ژید» ۳۱، «پل والری» ۲۹
«شارل پگی» ۲۷ و «گیوم آپولینر»
فقط ۲۰ سال دارد.

برابر مجهولاتی که بسیاری از ابهام‌ها را ایجاد می‌کند افزایش می‌یابد.

یکی از آثار مهم روزگار ما به نام «انسان سرکش» که «آلبر کامو» آن را نوشته است توضیح می‌دهد که با این نگرانی که احساس پوچی خلق می‌کند می‌توان جلوی اطمینان را گرفت. آیا انسان به جای این که بازپچه جبری کور باشد نباید عاملی شود که سرنوشت خود را به دست بگیرد و آزادی‌اش را در برابر اسارت اجتماعی تامین کند؟

با این حال، شتاب برق آسای توسعه و افزایش اجتناب‌ناپذیر جمعیت کره زمین نوعی سرگیجه ایجاد می‌کرد. در پایان این هزاره که به نظر می‌رسد دو قرن ۲۰ و ۲۱ مثل موج غول‌آسای زمان خود را به طرف یکدیگر پرتاب می‌کنند گویا که ظرفیت‌های ارگانیسم انسانی به پایان رسیده است. انسان گاهی از خود می‌پرسد که در آینده او میمونی تکامل یافته خواهد بود یا حشره‌ای عظیم‌الجثه؟ او احساس می‌کند مستقیماً به سوی پرتگاه می‌رود.

این قرن، آن‌گونه که «برتراند پوادو - دلپش» در «افسانه قرن» (چشمک به هوگوی پیر) نقل می‌کند، تاریخ انسانی است که «استالین»، «هیتلر»، «لئون بلوم»، «ژید»، «مالرو» و «آراگون» را شناخته است. اما کتاب‌ها فقط برای ثبت تاریخ مفید نیستند. آن‌ها رؤیایا را نیز ثبت می‌کنند. و صد سال بعد از «آلفونس دوده» کتاب‌ها در گوش بچه‌ها نجوا می‌کنند که گندم‌ها طلایی هستند، آسمان کاملاً آبی است و در کوهستان‌ها بزهای وجود دارند که از آزادی دیوانه هستند و چوپان‌هایی که در ستاره‌ها می‌خوانند.

جنبش نظام‌های فکری در آخرین سال‌های قرن نوزده به دلیل ماجرای «دریفوس» در فرانسه تفرقه ایجاد شده و با جنبش‌های ناسیونالیستی و ضد یهودی منقلب می‌شود. در سال ۱۸۹۹ استقرار دولت رادیکال سوسیالیست از همان آغاز باعث مشاجره‌های جدی می‌شود. اما با راه افتادن ماشین جنگ، نفاق داخلی فروکش می‌کند. ترک مخاصمه در سال ۱۹۱۸ دوره جدیدی را برای ذهنیت‌ها می‌گشاید و حوادث آن، این دوره را از قرن به قرن دیگر متصل می‌کند.

جناح چپ در سال ۱۸۹۴ افسر یهودی - فرانسوی، «آلفرد دریفوس» با محکومیت به جاسوسی به جزیره در شیطان تبعید می‌شود و این موضوع، افکار عمومی فرانسه را به دو دسته تقسیم می‌کند. **قدرت** اعتراف به اشتباه قضایی، به مفهوم متهم کردن ارتش فرانسه تلقی می‌شود که برای محکوم کردن او از مدارک جعلی استفاده کرده بود. عفو کردن او نیز به معنی اعاده حیثیت از یک یهودی به شمار می‌آید.

در حالی که میهن پرست‌ها از قبل تصمیم خودشان را گرفته بودند و برای کاتولیک‌های سازش‌ناپذیر در مجرمیت او هیچ شکی وجود نداشت، ضد نظامی‌گرایان چپ به وسیله «امیل زولا» و بیانیه‌اش به نام «من متهم می‌کنم» تشویق شده بودند و نبردشان را برای عدالت و آزادی ادامه می‌دادند.

در سال ۱۹۰۶ «آلفرد دریفوس» از همه اتهام‌ها تبرئه شد. اشاره به ماجرای «دریفوس» در آثار این دوره بی‌شمار است به ویژه در رمان «در جست‌وجوی زمان از دست رفته».

رسیدن جناح چپ به قدرت، نویسنده‌ها را از هم جدا کرد و آگاهی گسترده‌ای را موجب شد. نظریه‌های بشر دوستانه «ژان ژوره»، بنیان‌گذار حزب سوسیالیست (۱۹۰۱) توافق «رومن رولان»، «آنتول فرانس» و «امیل ورا ان» را به خود جلب کرد. اما دیگران از این گرایش به چپ به وحشت افتاده بودند. «مورس باره» شروع به ترویج میهن پرستی کرد که از نظر او شایسته‌ترین روشی بود که می‌توانست جلوی شکستی شبیه به شکست سال ۱۸۷۰ را در فرانسه بگیرد. «شارل مور» پایه گذار روزنامه «عمل فرانسوی» احیای حکومت

دریچه

این چهارده نفر

سربازهایی
که جز دفاع از
سرزمین شان را
نمی خواستند
این بار برای تغییر دادن
نظام دنیا
فراخوانده می شوند
آن ها به غیر از صلح
چیز دیگری نمی خواستند

وقتی که جنگ شروع می شود فرانسه صرفاً به خاطر حمایت از متحدانش وارد آن می شود. اما بعد از شتاب برای کمک به بلژیکی ها می بایست از پاریس دفاع کند. ژوهره با پیروزی در نبرد مارن در این جنگ پیروز می شود. با این حال نبرد گسترش می یابد و سربازهایی که جز دفاع از سرزمین شان را نمی خواستند این بار برای تغییر دادن نظام دنیا فراخوانده می شوند. آن ها به غیر از صلح چیز دیگری نمی خواستند: ویران کردن آلمان و اتریش از آن ها خواسته می شود در حالی که «بتن» و «فوش» به وسیله «کلمانتسو» حمایت می شوند جنگ را تا به اوج ادامه می دهند. اوج جنگ در سال ۱۹۱۶ است که سربازان، مردان شجاع و قهرمانان سابق به شهادت می رسند.

سلطنتی را توصیه می کرد.

کلیسا که وارد نبرد با دولت شده است در سال ۱۹۰۵ خودش را از آن جدا می بیند. این بحران مذهبی باعث یک جنبش ناگهانی معنوی می شود. بازگشت به «کاتولیسیم» در اشخاصی مثل «پل کلودل»، «شارل یگی» و «فرانسیس ژام» مشاهده می شود. شکست راست محافظه کار و ضعف قدرت کشیش ها به یک اندازه از آسیب های اندیشه سنتی تأثیر می پذیرند.

جامعه مشرف ساختارهای اجتماعی که در طی قرن نوزده به واسطه مبارزه طبقاتی چندین بار به مرگ منقلب شده بودند اکنون سست شده اند. در تمام اروپا که آخرین امپراتوری ها از پا درمی آیند و وحدت های ملی استحکام می یابند، رمان نویس ها احساس می کنند



دگرگونی اجتماعی قربانی تمدن خاص خودش شده است. در آلمان «توماس مان» با Les Buddenbrook (۱۹۰۱) تصویری از دوره ای ارائه می دهد که قبل از این که به وسیله جنگ از پا دربیاید در حال نزع بوده است. در انگلستان «جان گالسورثی» در کتاب La sage des forsythe (۱۹۲۸ - ۱۹۰۶) صعود بورژوازی را حکایت می کند که از نیم قرن مشقت و یکتورین آزاد شده است. «مارسل پروست» با رمان «در جستجوی زمان از دست رفته» جریان زمان را به طرف گذشته اشراقیتی که دوره اش به پایان رسیده به عقب باز می گرداند.

تئاتر نیز براساس همین عیبجویی ها در سال ۱۹۰۶ بنا نهاده می شود و موضوعات بسیاری را با مشاهده طبقات متوسط در حال گذر از تحول نشان می دهد. این درد آور است که رنج کشیدن جامعه انسان را بخنداند: فاصله طبقاتی، قدرت پول، افتخارات پیش پا افتاده، بدعت های خطرناک (زنا و طلاق) موفقیت های تصنعی و تسلیم های نفرت انگیز.

در حالی که آپاچی ها به شهرهای بزرگ خسارت زده اند و آدم های رذل برای هر نوع ضربه شریانه ای آماده هستند و در حومه شهرها آنارشیبست ها حکومت می کنند، نیاز جدی به ائتلاف آشکار می شود.

به سوی خدمت سربازی از دو سال به سه سال افزایش می یابد: مسلماً تصور می شود که احتمال جنگ اضمحلال جدیدی وجود دارد اما فرانسوی ها فکر می کنند که این حادثه کوچکی بیش نخواهد بود. روشنفکرها از تیرگی روابط فرانسه و آلمان تأسف می خورند. «رومن رولان» در مقالاتش (آن سوی جنجال ها) آشفتگی های «وجدان آزاد» را بیان می کند. «شارل یگی» (میهن ما) به اعتقادات میهن پرستانه اش اعتراف می کند. «موریس باره» که اهل منطقه کوهستانی «وس ژس» است ورود آلمانی ها به «آلزاس - لورن» را به یاد می آورد و می داند که میهن پرستی فرانسوی با لشغال این سرزمین در سال ۱۸۷۰ آغاز شده است.

چنین اضمحلالی است که در طی چهار سال موجب مرگ مردها در گیل و لای سنگرها می شود و زن ها را در وحشت بیمارستان ها محصور می کند و وجدان ها از پی متزلزل شدن بنیان های اجتماعی متزلزل می شود. می توان همچون «پی یوگازوت» بر این باور بود که: «قرن نوزده در ۱۴ اوت ۱۹۱۴ به پایان می رسد».

۱. دوره نشانه‌ها

آشناگی‌هایی که در ژانرهای ادبی به وجود آمده نتیجه تفرقه عمیقی بود که تحت تاثیر جنگ، در تحول سلیقه‌ها و سبک‌ها ایجاد شده بود. قرن ۱۹ از ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۴ تمدید می‌شود در حالی که قرن ۲۰ در فهرستی از نشانه‌ها معوق مانده است.

مسیرهای شعر

در سال ۱۹۰۰ دو جنبش شعری هنوز کاملاً پایدار هستند: پاراناس [لوکنت دو لیسل، «سولی پرو دوم» و «ژوزه ماریا دوهردیا»] و سمبولیسم [بودلر، ورن و مالارمه].
برعکس رماتیک‌ها که معمولاً اضطراب‌ها و خوشی‌های باطنی‌شان را آشکار می‌کردند، پاراناسین‌ها تمام تجلی‌های شخصی احساس‌شان را نفی می‌کنند و الهامی آگاهانه را که به وسیله فرمی ایجابی و تلطیف شده به کار می‌رود، ترجیح می‌دهند.
سمبولیست‌ها با توجه به اصول سابق، مدعی حقوق تاثیرات روحی، هیجان و رؤیا بودند و فرد را با بهره‌گیری از سیلان و تنوع، از فنون تصنعی شعر آزاد کرده‌اند. ورن توصیه می‌کرد: «موسیقی کلام قبل از همه چیز».



آخرین بازتاب‌های پاراناسی

ژان مور (۱۹۱۰-۱۸۵۶) یونانی تبعید شده به پاریس است که با «قطعات» خود که بر اساس مدل شعرهای باستانی نوشته بود به جنبش پاراناسی خاتمه می‌دهد

نوستالوژی اساطیر و زیبایی یونانی در آثار «پی‌یر لویس» (۱۸۷۰ - ۱۹۲۵) به تصویر کشیده می‌شود. او با کشف شاعرهای یونانی خالق ترانه‌های بیلیتی (۱۸۹۴) - که شعرهایی کوتاه، منثور، دلنشین و تصنعی است - فضل‌مآب‌ها را به تمسخر می‌گیرد. «پی‌یر لویس»، دوست «هردیا»، «مالارمه» و «ژید» به طور فعال با زندگی ادبی زمان‌اش آمیخته شده است. او رسوم باستانی را در Aphrodite (۱۸۹۶) توصیف می‌کند و در «ماجراهای شاه پوزول» (۱۹۰۱) قصه‌ای جلف، هشدار دهنده و موشکافانه را روایت می‌کند.
این بازگشت به منابع باستانی به نثر اثر می‌گذارد. به دنبال «ارنست رنان» که قبلاً کلام نابغه یونانی Parthénon را در سال ۱۸۶۰ آرموده بود، «شارل مور» (سفر آتن) و «موریس باره» (سفر اسپارت) پیشی می‌گیرند نسبت به همه آن‌چه «ژان کوکتو» در Giraudoux و «والری» در Moraguerite از ذخیره‌های بی‌شمار اسطوره‌ها و تعالیمی که از عهد بلستان باقی مانده است اقتباس کرده‌اند.

دریچه

مسئولیت مصائب

G «ژول رومن» در «اوج مهلکه» تحلیلی از محیط اجتماعی ارائه می‌دهد که مقدمه‌ای بر این حوادث بوده است و در «پرچم سیاه» که پژوهشی از این اندیشمند است، به همراه «ژوره» اعتقاد به جنگ را مردود می‌داند. «رومن رولان» در «کلرامبول» (۱۹۲۰) پیشوایان اندیشه غربی را به دلیل مسئولیت‌ناپذیری در قبال این مصائب سرزنش می‌کند. «روژه مارتن دوگاره» در «تابستان ۱۹۱۴» تابلویی از این دوره ترسیم می‌کند.

G کتابی از ژرژ دو آمل، زندگی پیکارگران را از دید خودشان نقل می‌کند. «دو آمل» پزشک جوانی است که به اداره بهداشت انتقال یافته و تجربه‌اش را در مورد رنج و وحشت در «زندگی شهیدان» (۱۹۱۷) نقل می‌کند. «رولان دور ژله» (۱۹۷۳ - ۱۸۸۶) در «صلیب‌های چوبی» با به کار گرفتن رئالیسمی بی‌پیرایه زندگی مردان جسور و تلقی آن‌ها را نسبت به مرگ روایت می‌کند. «هانری باربوسی» (۱۹۳۵ - ۱۸۷۳) در «آتش» (۱۹۱۶) جنگ را با تمام زشتی‌هایش به تصویر می‌کشد. «موریس ژنووا» به نوبه خود از جرأت «این چهارده نفر» (۱۹۲۳ - ۱۹۱۶) تجلیل می‌کند. «ژوزف کسل» شاغل در هوانوردی است و به همین دلیل «هوانورده» به او الهام می‌شود. «هانری دو مونترلان» که در سال ۱۹۱۶ به جنگ فراخوانده می‌شود در ۲۰ سالگی و در ۱۹۱۸ زخمی می‌شود در «خیال»، فضیلت‌های مردانه پیکارگران را تمجید می‌کند.

دریچه

وفاداری و دوستی

در حالی که

نویسندگان ایتالیایی

«ژیوسپ آنتونیو بورخس»

نتیجه جنگ را

در رمان Rubé بررسی می‌کند

ارنست همینگوی آمریکایی

در دوداع با اسلحه»

(۱۹۲۹) سرخوردگی‌های

نسل ۱۸-۱۴ را

بیان می‌کند

G در آلمان رمان برجسته «اریش ماریا

دومارک» (در غرب خبری نیست ۱۹۲۸)

به موضوع تنهایی انسان، دلگرمی

دوستی‌ها و فداکاری می‌پردازد.

نویسندگان آلمانی (استفان تسوایک

توماس مان، راینه ماریا ریلکه) «نوعی از

آگاهی» را تشخیص می‌دهند که بین

وفاداری برای کشورشان و دوستی‌هایی

که در فرانسه روی آن‌ها حساب می‌کنند

تقسیم می‌کنند.

این وفاداری در عین حال معطوف به

نوع تلقی‌ای است که نویسندگان فرانسوی

از فرهنگ دارند. فرهنگی که می‌تواند

مافوق همه مصیبت‌ها در خدمت بشریت

قرار بگیرد.

در حالی که نویسندگان ایتالیایی

«ژیوسپ آنتونیو بورخس» نتیجه جنگ را

در رمان Rubé بررسی می‌کند

ارنست همینگوی آمریکایی

در دوداع با اسلحه» (۱۹۲۹)

سرخوردگی‌های نسل ۱۸-۱۴ را

بیان می‌کند.

آخرین درخشش‌های سمبولیسم

تا بعد از سال ۱۹۰۰ هنوز شاعرانی وجود دارند که مباحث سمبولیسم را تفسیر می‌کنند. «امیل ورارن» و «موریس مترلینگ» نویسنده‌های بلژیکی با طرز بیان فرانسوی، حقیقت را به دو گونه تغییر شکل می‌دهند. در حالی که «امیل ورارن» تصویر جنون‌آسایی از جامعه صنعتی ارائه می‌دهد، «مترلینگ» به خواب و چیزهای عجیب پناه می‌برد. «فرانس ژام» به هیجان‌ات روزمره می‌گریزد.

«امیل و رادن» (۱۹۱۶ - ۱۸۵۵) در «قدرت‌های پرهیاهو» (۱۹۰۲) تابلویی از دنیای معاصر را به تصویر می‌کشد. او که جذب سوسیالیسم شده بود به نوعی «امیل زولا» در عرصه شعر است که پیش‌تر در «دشت‌های گیج» (۱۸۹۳) و شهرهای بی در و پیکره (۱۸۹۵) مهاجرت از سرزمین متروک به سوی حومه غم‌انگیز و پرجمعیت شهرها را توصیف کرده بود. چشم‌انداز کارخانه‌ها، سرخی کورهای آهنگری، آب‌های سبز مایل به آبی کتاب‌ها در آثار او نشان می‌دهد که او نماینده‌ای مطمئن و پرشور برای طبقه کارگر است.

در کنار این نگارنده که دارای افکار رئال است و ایده‌های خود را با آمیزش رئالیسم و سمبولیسم بیان می‌کند، «موریس مترلینگ» (۱۹۴۹ - ۱۸۶۲) به نیروهای درونی و پریشائی‌های مضطرب روح توجه دارد. او با Pelléas و Mélisande (۱۸۹۲) خودش را در افسون یک قرون وسطای خیالی رها می‌کند. تمیلاتی که طبق قوانین فتودالی به اسارت شوهرش درآمده است شیفته نوجوان زیبا و خیالی‌بافی به نام Pelléas می‌شود که برادر شوهرش نیز هست. لولاد جادویی قرن وسطی، از «آپولینر» تا «ژولین گراک» سایه «ترستان» و «ایزو» را بر فراز قرن بیستم می‌گسترانند.

«موریس مترلینگ» بعداً خود را وقف شگفتی‌های زندگی حیوانات می‌کند و به این وسیله با کتاب «زندگی زنبورهای عسل» (۱۹۰۱) راه جدیدی را آغاز می‌کند و با کتاب‌های «زندگی موریان‌ها» (۱۹۲۶) و «زندگی مورچه‌ها» (۱۹۳۰) روش «ژان هانری فابره» را پی می‌گیرد.

شاعران احساسات

«فرانسویس ژام» (۱۹۳۸ - ۱۸۶۸) در «از نماز سحرگاه تا نماز شب» (۱۸۹۸) توالی شگفتی لحظات و از بین رفتن عشق‌های پژمرده و شور بی‌دغدغه ایمان کاتولیکی را می‌ستاید. در میان زن‌ها، شخصیت جذاب و بدیع «آنا دونوتل» (۱۹۳۳ - ۱۸۷۶) با شعرهایی که امروز فراموش شده‌اند بر هیجان و احساس فطری انسان فرمانروایی می‌کند.

شاعران خبر دهنده

شعر محافظه‌کار، همچنان کوچکترین علاقه‌ای برای جست‌وجوی راه‌های جدید از خود نشان نمی‌دهد. اما عصبیانه سهمگین از طرف



دریچه

توهم بزرگ

در حدود ۲۵ هزار متر فیلم که آرشیو سینماتوگرافی جنگ را تشکیل می‌دهند موضوع فیلمی می‌شوند که «ژان اودل» و «سیسل سن - لوران» در سال ۱۹۶۳ آن را می‌سازند. اما گویاترین اثر، مسلماً «توهم بزرگ» (۱۹۳۷) «ژان رنوار» است. در سکناس معروف این فیلم، دو افسر از دو جبهه مخالف «وون روئنشتاین» طرفدار حکومت اشراف آلمان و «یوآلدیوه» طرفدار حکومت اشراف فرانسه، با هم دوستی برقرار می‌کنند. دست آخر «وون روئنشتاین» بعد از این که «یوآلدیوه» را هنگام فرار از پا درمی‌آورد روی جنازه‌اش یک شاخه گل شمعدانی می‌گذارد.

سوررئالیسم لازم بود تا خدایان پاراناس به سرعت از قلمشان پایین بیایند. از زمان «رمبو» این سو و آن سو غرش‌های فاش‌کننده استعدادهای پنهان به گوش می‌رسید که راه را هموار می‌کرد و در انتظار موقعیتی برای آشکار شدن بود.

دو شاعر مسافر، لحن واقعاً جدیدی را به کار می‌گیرند. «ویکتور سگالن» (۱۸۷۸ - ۱۹۱۹) که شیفته نقاشی چینی و اندیشه تیتی است در «از یاد رفته‌ها» (۱۹۰۷) روزگار فراموش شده جزایر اقیانوسی را به تصویر می‌کشد. در «سنگ نوشته‌ها» (۱۹۱۲) بر موضوع مطلق‌گرایی تعمق می‌کند همان‌گونه که فیلسوف‌های چینی آن را درک کرده‌اند. او exotisme را از سر می‌گیرد همان‌گونه که «پل کلودل» و «سن ژان پرس» آن را به کار می‌برند. «بلز ساندره» (۱۸۸۷ - ۱۹۶۱) با Mongolie احساساتی را نقل می‌کند که شعری بلند با بینشی بسیار بدیع الهام بخش او بوده است. (۱۹۱۳ نثر ترانسی برین). سفرهایش موجب خلق آثار شاعرانه و خیال‌پردازانه‌اش می‌شود. (طلا ۱۹۲۵، زندگی و سفرهای پرماجرا، ۱۹۴۸).
اما چاپ دو مجموعه را در این دوره باید به خاطر سپرد که برای آینده شعر مهم بودند: «الکل» از «گیوم آپولینر» (۱۹۱۳) «پارک جوان» از «پل والری» (۱۹۱۷).



گیوم آپولینر
شاعر خیابان‌گرد
۱۸۸۰ - ۱۹۱۸

طرده شده

زندگی کوتاه «ویلهلم آپولینر» دو کوسترو ویتزکی، ملقب به «گیوم آپولینر» (برای آشناها «کوستروه») هم‌زمان با تحلیل قوای سمبولیسم است که او از آن دور می‌شود. مسلماً او از وجوه تشابه خودش با این جنبش آگاه است، اما تولد زیباشناسی جدید او را جذب می‌کند و مروج پرشور آن می‌شود. این معاصر کوبیسم، در عین حال پیشگام سوررئالیسم است.
بخت یار او می‌شود و به واسطه شغل معلمی در خانه یک آلمانی ثروتمند، یک سال (۱۹۰۲ - ۱۹۰۱) از پاریس دور می‌شود.

دریچه

سواحل رودخانه «راین» برای آپولینر الهام‌بخش لشعار معروف مجموعه الکل بود ماه مه، ماه زیبای مه، با زورقی روی رودخانه راین. در آنجا عاشق پرستار جوان انگلیسی می‌شود و رنج دور ماندن از او به او الهام می‌دهد تا مجموعه الکل را بسراید:

چمن زار سمی است اما در پاییز زیباست
گاوهای ماده آن جا به چرا مشغولند
آهسته مسموم می‌شوند
گل سمی رنگ کیودی دور چشم و یاس
آن جا که چشمانت گل می‌دهند شبیه این گل
هستند:
مایل به بنفش مثل کیودی دور چشم‌شان و
مثل این پاییز
و زندگی من به خاطر چشم‌های تو آهسته
مسموم می‌شود.

مجموعه الکل

در شعرهای الکل که از ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۳ سروده شده است مضمون کاملی از آثار آپولینر آشکار شده‌است. تأثیری آنی روی نکته اصلی، جلب شدن به سوی بازتاب خاطرات فصل‌ها و حالات روحی، به‌کمال رساندن زن، عشق‌زهر، زن‌های فریبنده و حوری صفتان، ابهام سیلان زمان و سوسه‌های آب جاری که سنگینی شکننده‌اش را به کشتی حافظه‌مان می‌سپارد به‌رغم بی‌پروایی‌های آشکار استعاره‌ها شعر «آپولینر» به آسانی قابل درک است. او نقطه‌گذاری را حذف می‌کند تا در شعر تقطیع ایجاد نشود و ریتم هم زمان آن بانر می‌کامل تداوم داشته باشد.

ریتم طبیعی گیوم آپولینر در پاریس برای امرار معاش، به وقایع نگاری هنری روی می‌آورد که نسبت به شعر، پردرآمدتر است. ارتباطش با نقاش جذاب «ماری لورانسن»، دوستی‌اش با «پابلو پیکاسو»، او را به دنیای Bateau - Lavoir می‌کشاند. محله عجیب مون‌مارتر با آتلیه‌هایی که هنرمندان مختلف شب‌ها را در آنجا می‌گذرانند و یا در آنجا رفت و آمد دارند. ارتباطش با نقاش‌ها فقط برای خلق آثار انتقادی (نقاشان کویبست ۱۹۱۳) به او الهام نمی‌دادند، آن‌ها در شعرش نشانه‌هایی خلاقانه باقی می‌گذارند. همان‌گونه که «روبر دو لونای»، مجذوب برج ایفل می‌شود، «رائول دوفی» بالکتریسته، «آندره دورن» با هواپیما، «فرنارد لژه» با ماشین، او همچون «براک» شیفته ادبیات چاپخانه‌ای می‌شود و صفحاتی از کالی گرام^۲ (۱۹۱۸) تصنیف می‌کند. این افکار مصور تغزلی همچون کولاژهایی واقعی بودند.

او قبل از سوررئالیست‌ها ارزش الهام درونی، ریتم طبیعی و تداعی‌های غیرمنتظره را درک می‌کند. متنی که او در سال ۱۹۰۸ نوشته روایت خوابی است که می‌خواهد کل آرگانسیم شاعرانه را با بهره از عملی غیرارادی روان‌شناختی و تقریباً غیرارادی سرکوب کند.

«گیوم آپولینر» که طی جنگ زخمی شده بود می‌توانست مثل «آلن - فورنیه» و «شارل یگی» از پا درآید اما در فردای پیروزی، یک اپیدمی گریپ اسپانیایی او را می‌کشد. مثل «ادموند دولستان».

پل والرئ شاعر فیلسوف

۱۸۷۱ - ۱۹۴۵



«پل والرئ» هر صبح دو یا سه ساعت ورزش روشنفکری انجام می‌داد. او اندیشه‌اش را درباره علوم و موضوعات مختلف بسیاری پرورش می‌داد. او درباره نقش ادراک به مثابه وسیله پژوهش در شناخت خود و خلق اثر هنری از خودش سوال می‌کند. از راه این تمرین دو اثر مهم خلق می‌شود. اول معین کردن شیوه. دوم تعیین پیکره هجایی.

«پل والرئ» در مقدمه‌ای که بر روش «لئوناردو داوینچی» (۱۹۸۴) می‌نویسد، روش

نقاش بزرگ رنسانس ایتالیا را به کار می‌گیرد که هم هنرمند و هم مهندس بود. «داوینچی» می‌خواهد و می‌تواند همه شیوه‌های ممکن اندیشه، احساس، تخیل و خلق کردن را در ذهن‌اش به کار گیرد. او از طریق کدامیک از گذرگاه‌های اندیشه‌اش ادراک را به بالاترین سطح خود می‌رساند؟ این روشی است که «والرئ» به کشف آن همت می‌گمارد.

در یک حکایت فیلسوفانه به نام «شامگاه با آقای تست» (۱۸۹۶)، پرسوناژ عجیب و جذابی خلق می‌کند

دریچه

گوش سپردن به سکوت

Gوالری در شعرهایش مثل نثرها تسلیم اندیشه متافیزیکی می‌شود. او کوچک‌ترین تغییرات وجودش را بیان می‌کند به شکلی که گویی هنوز زنده است. هم‌او که روزی در درون زمین از بسین می‌رود مثل مردهایی که در گورستان حاکم بر دریا بر فراز Sète بندر مدیترانه‌ای زادگاه والری خفته‌اند: آن‌ها در خلئی انبوه گداخته‌اند خاک سرخ فام، نژاد سپید را نوشیده است هدیه زیستن در گل‌ها ره می‌سپارد شعرهای لودر میان آن‌ها معروف‌ترین‌شان «گورستان دریایی» از سوی سختگیرترین داوران تحسین شده است. وانگهی، تاکنون چه شعری توانسته است دوام آرام یا جنبش‌های نامحدود دنیا و شدت آنی کوتاه‌ترین لحظات را مجسم کند؟ چه کسی توانسته است با چند کلمه، فضا و حرکت را بهتر از این القاء کند؟

دریا، دریایی که پیوسته آغاز می‌شود... شعر بوالری، همان موجودی است که از خودش و از شیوه کارش آگاهی می‌پذیرد همان‌گونه که فکرمی‌کند و احساس می‌کند او دوگانگی بین ادراک و حساسیت را حل می‌کند. از نظر «پل والری» باید به هر آتم سکوت گوش سپرد. اسرار او در شعرهایش نهفته است که از شاعر یونانی «پنداره اقتباس می‌کند و در آغاز گورستان دریایی ثبت می‌کند:

«آه، روح عزیز من، در زندگی فناپذیر نفس نکش، بلکه گشتزار امکان را بی‌حاصل کنی.»

که با خنده به خودش می‌گوید: «دیوانگی کار من نیست». و سؤالی عملی و تئوریک برای «والری» خلق می‌کند: «انسان چه می‌تواند بکند؟» این درباره شناخت، در طرح‌های اولیه «مون قوس» (۱۹۴۱) سابقه دارد. از میان مجموعه‌های متعدد رساله‌ها که اندیشه درباره دنیا، انسان و هنر را مطرح می‌کنند باید دو اثر قابل تحسین را به خاطر سپرد: «دیالوگ‌ها»، «اوپالینوس و روح و رقص» (۱۹۲۳).

این فیلسوف، شاعر بزرگی نیز هست. این مرید «مالارمه» اول آلبوم از شعرهای قدیمی‌اش را ارائه کرد. اما این شعرها دقیقاً خیلی «قدیمی» قضاوت شدند و بسیار آشکارا «هنری». او شعر را به مدت بیست سال رها کرد. اما در سال ۱۹۱۷ با «پارک جوان» و در سال ۱۹۲۲ با «افسونگری» و با ثبت مجموعه جسورانه‌ای از تصاویر و ریتم‌ها خود را آزمایش کرد و سرار تعمق برانگیز دنیا را به نمایش گذاشت.

از بسین رفتن تئاتر

تئاتر آغاز قرن به طور عمده با شیوه‌ها و عاداتی که آشکار می‌کرد از پا درآمد بود. آنچه در این دوره روی سن‌ها به نمایش در می‌آید نشانی از ترقی آتی تئاتر با خود ندارد. هر چند که این دوره شکسپیر خودش را داشت اما از آن بی‌خبر بود. به همین دلیل «پل کلودل» نویسنده «سرطالی» (۱۹۰۱ - ۱۸۹۰)، «تقسیم نیمروز» (۱۹۰۶) و «اعلام به ماری» (۱۹۱۲)، صرفاً دیپلماتی بود که در چین مشغول به کار بود.

با تئاتر رمانتیک نویکتور هوگو، یا «آلفرد دو موسه» کمدی اخلاقی جانشین شده بود. «هانری بک» (۱۸۸۲ کلاغ‌ها) فهمیده بود که هنر دراماتیک برای ارائه دادن واقعیت باید از قراردادهایش رهایی یابد. با همین نگرانی نسبت به حقیقت، «آندره آنتوان» تئاتر آزاد را تأسیس کرده است. در آن‌جا دقت بیشتری در میزاسن و بازی هنرپیشه‌ها به عمل می‌آمد. با چنین اندیشه‌ای است که تا سال ۱۹۱۴ تئاتر دگرگون می‌شود.

تعدادی از نویسندگان با اقتباس از واقعیت معاصر، موقعیت‌هایی را به رشته تحریر درمی‌آورند تا تئاتر را از اخلاق آزاد کنند. این «تئاتر اندیشه» است. دیگران مثل «فرانسوا دو کورل» به جدال‌هایی مثل عشق و خودخواهی یا جنگ و هوس علاقمند بودند. بعضی دیگر مثل «پل هرویو» با بدبینی به توصیف مسائل پیش یا افتاده و موضوعاتی مثل ازدواج و طلاق حمله می‌کردند.

«جورج دو پورتو - ریش» و «هانری باتای» به غیر از موقعیت‌های احساساتی از چیز دیگری سخن نمی‌گویند. تئاتر «اکتو میرابوه» به شکل بی‌رحمانه‌ای از ابزارهای ویرانگر فساد اجتماعی پرده برمی‌دارد.

در کنار تئاتر اندیشه، «تئاتر سرگرمی» توفیق بزرگی به دست می‌آورد. «ژول رونار» و «ژرژ کوتلین» قبل از سال ۱۹۰۰ بهترین کارها را از خودشان ارائه می‌دهند. فقط «ژرژ فای دو» به شیوه سابق‌اش ادامه می‌دهد. مسفله این است که بعد از شاهکارهای استادانه و خنده‌داری مثل «هتل مبادله آزاده» یا «مرد احق»، او چه‌گونه می‌توانست باز هم مردم را بخنداند. اما در «با آملی سرگرم باش» (۱۹۰۸) و در آثار تک پرده‌ای که پیش از بیماری اعصاب‌اش می‌نویسد (به فرمان مادر خانم ما بچه را تمیز می‌کنیم اما لخت به گردش نرو) درک از خنده در سطح بالا باقی می‌ماند. هنر «Seynète» (همان‌طور که امروزه «Sketch» نامیده می‌شود چون مربوط به کاریکاتور است) با «تريستان برنار» به موفقیت می‌رسد.

در سالن‌هایی که در امتداد بولوارهای بزرگ باز می‌شوند و تئاترهای جدی تولد می‌یابد که «تئاتر خیابانی» نامیده می‌شود. این تئاتر، دنیایی کوچک و جلف و ساده انگارانه و بی‌مصرفی را به نمایش می‌گذارد که موضوعات آن فقط در مورد توطئه‌های عاشقانه است.

«موریس دونای»، «آلفرد کاپو» و «هانری لاودان» خیابانی‌ها نامیده می‌شوند. از آثار آن‌ها هیچ چیز باقی نمی‌ماند. این آثار برای سرگرمی به اجرا درمی‌آیند و دوام‌شان در حد باقی ماندن یک آفیش روی ستون Morris^۱ بود. اما تئاتر خیابانی به‌رغم فقدان کامل ایدئولوژی، با یک عمل مشخص غیرقابل پیش بینی، با دیالوگ‌های درخشان، با شوخی‌های خنده‌آور و با استهزای عادات و رسوم به موجودیت خود ادامه می‌دهد.

دریچه

تجمل و افراط

میرابو از فضای

رمان‌های

«سلین» خبر می‌آورد.

فضای آثار او غالباً بیمارستان‌ها

و خانم‌های محقر

و کثیف هستند

◻ رمان‌های «دکتر میرابو» (۱۹۱۷-۱۸۴۸)

با رنگ‌مایه‌های بسیار آزار دهنده شکل افراط به خود می‌گیرد.

او در روزنامه

«مس‌تخدمه» (۱۹۰۰) فسادهای

بورژوازی را افشا می‌کند. «شارل لویی

فیلیپ» (۱۹۰۰-۱۸۷۴) در

«بوبوی مون پارتاس» (۱۹۰۱) دنیای

روسپی‌ها و صاحبان آن‌ها را

توصیف می‌کند. او از فضای

رمان‌های «سلین»^۲ خبر می‌آورد.

فضای آثار او غالباً بیمارستان‌ها و

خانم‌های محقر و کثیف هستند.

«فرانسیس کارکوه» (۱۹۵۸-۱۸۸۶)

مون‌مارتر- قلمرو نقاشان - را خوب

می‌شناسد و فضای آن را در «برای

ژئوس بلدرچین» (۱۹۱۴) به تصویر

می‌کشد. این رمان درباره مردم طبقه

پایین پاریس و درباره

همجنس‌بازهایی است که ژئوس

نامیده می‌شوند.

تئاتر بین دو قرن در فرانسه، با نمایشنامه «سیرانو دو برژراک» اثر «ادمون دولستان» شناخته شده است که آخرین اجرای موفقیت‌آمیز و ماندنی آن در سال ۱۸۹۷ بوده است.

تئاتر به دوره سکوت وارد می‌شود در حالی که در خارج از فرانسه استادان بزرگ تئاتر مدرن شاهکارهایشان را ارائه می‌دهند. «ایبسن» نروژی (۱۸۹۰ هدا گابلر) «چخوف» روسی (مرغ دریایی ۱۸۹۶)، «استرینبرگ» سوئدی (رقص مرده ۱۹۰۰)، «پیراندللو» ایتالیایی (هر کس با واقعیتی ۱۹۱۶).

گذرگاه‌های رمان

با «امیل زولا» نسل رمان‌نویس‌هایی که در قرن نوزده رمان را به سر حد کمال رسانده‌اند خاموش می‌شود. با این حال قرن بیست راهی را تدارک می‌بیند که شکوفایی درخشانش کمتر از قبل نیست.

چند رمان‌نویس می‌خواهند در رمان‌هایشان الگوهای ایده‌آلی را به جوان‌های نسل خود پیشنهاد کنند. سردمسته آن‌ها «موریس باره» از خاصیت‌های این تکلیف تمجید می‌کند. «پل بورژ» «خطراتی را که سنت‌ها عرضه می‌کنند افشا می‌کند.

کودکی گم شده و باز یافته

«آلن فـورنیه»

(۱۹۱۴ - ۱۸۸۶) تز

معلم اخلاق بودن را

به طور کامل مردود

می‌شمارد و یگانه

رمانش «مولن

بزرگ» (۱۹۱۳) در

قلمرو بی‌طرفی قرار

می‌گیرد که واقعیت

را از تخیل جدا

می‌کند. عشق در

این کتاب ظاهر

نمی‌شود مگر در

حالت رؤیایی گنگ.

در هاله‌ای مجرد که

ماجراهای «آگوستن

مولن» و «ایوون

دوگاله» و «فرانسوا» -

دوستان دوران

کودکی - را در

برمی‌گیرد، طرح

دقیقی از تمایلات،

متارکها و دوباره به

هم رسیدن‌ها همچون رؤیایی در هم تنیده شده است. «بهشت سبز عشق‌های کودکان» رمان نویس دیگر

«والری لادبو» (۱۹۵۷ - ۱۸۸۱) را به خود مشغول کرده است که پریشانی‌های نوجوانی را در «فرمنیا مارکر»

(۱۹۱۱) تجسم می‌کند.

دریچه

حافظه و احساس

«یولی امون» در «ماریا شاپ دولن» (۱۹۱۳) دلستان تأثرآور یک دختر جوان اهل کبک را با ساده‌گرایی روایت می‌کند. احساس نوستالوژیک یک دنیای بسیار پاک و بی‌آلایش کودکی که به طور موازی با نگرانی‌های جامعه‌ای که جنگ آن را تهدید می‌کند تصویر می‌شود.

رمان‌های ادبیات بسیار عامیانه رمان‌های پاورقی معمولاً ماجراهای پلیسی است. ماجراهای پاورقی تمسخرآمیزی که قهرمانان‌اش کارآگاه‌های بی‌تجربه، جانی‌های طبقه اشراف و انتقام‌جوهای جدی هستند که جامعه فاسد را ریشخند می‌کنند و پلیس را به مبارزه می‌طلبند. «آرسن لوپن» مثل فانتوما فقط به ثروتمندها حمله می‌کند

«گاستون دولوکس» (۱۸۶۴ - ۱۹۲۷) پیشگام نوعی رمان پلیسی پیچیده و خیالی است. (راز اتاق زرد و عطر خانم در تاریکی ۱۹۰۷)، «ژی.اش. دولسنی» (۱۹۴۰ - ۱۸۵۶) با «جنگ آتش» (۱۹۱۱) به عقب بازمی‌گردد و از ماقبل تاریخ سخن می‌گوید.

دو رمان که «بی‌بر بونوا» در پایان جنگ ارائه می‌دهد (۱۹۱۷ Koenigsmark و ۱۹۱۸ Atlante) خوانندگی‌های قرن بیستم هستند. اما به ویژه با «کولت» و «آندره ژید» که ضد اخلاق (۱۹۰۲) و «دروازه تنگ» (۱۹۰۲) را چاپ می‌کند و «مارسل پروست» که در سال ۱۹۱۳ اولین جلد رمان «در جست‌وجوی زمان از دست رفته» را ارائه می‌دهد، رمان قرن بیستم جهش خود را آغاز می‌کند.

مارسل پروست یا حافظه آشکار کننده راوی

۱۹۲۲ - ۱۸۷۱

زندگی «مارسل پروست» می‌توانست با شخصیت راوی «در جست‌وجوی زمان از دست رفته» که مثل برادر شبیه او بود اشتباه شود که عکس قضیه اتفاق می‌افتد: موضوع رمان، داستان مرد جوانی از طبقه بورژوازی است که وقتی ماجرای «دریفوس» بر ملا می‌شود بیست سال دارد. از ۱۸۹۰ تا زمان جنگ، او متوجه می‌شود که بعضی از ارزش‌های اخلاقی مربوط به عقاید سلسله مراتب طبقات



اجتماعی، در حال متلاشی شدن هستند. او می‌خواهد شاهد این تحول باشد و شروع به تحلیل و حکایت آن چیزهایی می‌کند که حافظه‌اش به خاطر سپرده است.

«پروست» بعد از تحصیل در رشته‌های ادبیات و حقوق، خود را منحصرأ وقف ادبیات می‌کند. او ژانرهای بسیار متفاوتی را می‌آزماید: (رساله علیه سنت بوو ۱۹۰۸) که توضیح آثار هنری را به وسیله انسان رد می‌کند. (رمان ژان سنتوی که در سال ۱۹۵۲ بعد از مرگش منتشر می‌شود)، «قصه خوشی‌ها و روزها» ۱۸۹۶، بررسی ادبی: تقلیدهای ادبی و آمیختگی‌ها ۱۹۰۸ - ۱۹۰۵.

این رساله‌ها و طرح‌های اولیه، با حضور «در جست‌وجوی زمان از دست رفته» که یکی از مهم‌ترین

«در جست‌وجوی زمان از دست رفته» مجموعه بزرگ رمان هفت‌جلدی است که از سال ۱۹۱۳ به بعد چاپ آن آغاز می‌شود آن‌ها به این ترتیب نام‌گذاری شده‌اند: «طرف خانه سوان» ۱۹۱۳ که عشق سوان را در برمی‌گیرد وقایع فرعی که گاهی مجزا از مجموعه است. «در سایه دوشیزگان شکوفه» (۱۹۱۸) «طرف گرمات» (۱۹۲۰) «سدوم و عموره» (۱۹۲۲) «آسیره» (۱۹۲۳) «گریخته» (۱۹۲۵) زمان باز یافته^۱ (۱۹۲۷)

دریچه

درون‌مایه و سبک

موضوع‌ها به شکلی بی‌پایان در سلسله‌طویل رمان و اتوبیوگرافی در آثار پروست به این ترتیب از مقابل یکدیگر می‌گذرند: حسرت کودکی، عشق و حسادت، حقیقت مرگ، رؤیا و واقعیت و مفهوم آفرینش هنری. موضوعاتی مقهورکننده، هدایت شده و استحکام یافته به وسیله آگاهی از عنصر زمان و ضرورت زندگی درونی نیرومند که توانایی مقابله با آسیب‌ها را دارند.

با انتخاب بخشی از اثر «مارسل پروست» به هیچ وجه نمی‌توان سبک او را توضیح داد. سبکی که هر جمله آن براساس منحنی‌های تحلیلی روانشناختی بسط می‌یابد و تغییر جهت می‌دهد و به اراده‌اندیشه در کامل‌ترین شکل وحدت قرار می‌گیرد.

سنگ‌بناهای تاریخی است فراموش می‌شوند.

وحدت این مجموعه، در حضور راوی و در رجوع به شخصیت‌ها متمرکز می‌شود. راوی یک روز تصمیم می‌گیرد زندگی ناپیدارش را با خلق اثر ادبی تثبیت کند و همین محرک اولیه را فراهم می‌سازد. او خاطرات دوران کودکی، نوجوانی و سن مردانگی‌اش را که مربوط به سال‌های ۱۹۱۰ - ۱۸۸۰ می‌شود به یاد می‌آورد و آن‌ها را نقل می‌کند: «گذشته ما بدین‌گونه است. آندوه‌گم شده‌ای است که سعی می‌کنیم آن را مجسم کنیم، تمام تلاش ادراک ما بیهوده است. او بیرون از قلمرو و محدوده‌اش در یک شئی مادی پنهان شده است که (که در احساسی که ما به شئی مادی می‌دهیم) ما نمی‌توانیم حدس بزنیم. این شئی بستگی به سرنوشتی دارد که ما قبل از مرگ آن را بشناسیم یا نشناسیم.»

به این ترتیب، احساساتی که حافظه در عدم آگاهی به خاطر سپرده است برای دوباره زنده کردن گذشته و اعمالی که این احساسات به یاد آورده‌اند کافی است. طعم شیرین نان قندی خیس شده در چای، لحظه‌ای از کودکی وی را یادآوری می‌کند، هنگامی که او همان احساس چشایی را به یاد آورده است. یک جمله کوتاه موسیقی سونات، همه موقعیت‌هایی را که پیش از این، این احساس شنیداری احاطه کرده بود به تدریج متبلور می‌کند. بنابراین در این تنویر افکار تجزیه‌ای جانشین می‌شود که می‌کوشد حوادث را در کلیت آن‌ها بازسازی کند. احساساتی که به یاد آورده می‌شود شایسته آن است که یک گذشته تخیلی را جانشین گذشته واقعی بکند. چنین است روش «مارسل پروست» برای به عقب بازگشتن در جریان زمان.

بطالت

«پروست» در رمان «در جست‌وجوی زمان از دست رفته» با مدد گرفتن از تجربیات خاص خودش دو دنیای زر به زوال را توصیف کرده است. از یک طرف نژاد اشراف گرمانت، طبقه اشراف قدیمی شهرستانی، از طرف دیگر دنیای حقیر سالن‌های پارسی، هنر دوستان و تازه به دوران رسیده‌ها، بورژواهای ثروتمند، انگل‌های جور و اجور و آدم‌های حاشیه‌ای و بدنام.

خانواده با شکوه و مغرور گرمانت اساساً از «دوک باسن دوگرمانت» تشکیل می‌شود که با دختر عمویش «اوریان» ازدواج کرده است، برادرش «بارون شارلوت»، برادرزاده‌هایش «روبر» و «مازکی دوسن - لو».

طایفه «جماعت اشراف» یا «سوان» و خانواده «وردورن» معرفی می‌شود که در پاریس سالی‌دارند که در آن جا علاوه بر سوان از این افراد هم پذیرایی می‌کنند: معشوقه سوان «اودت دوکرسی»، «برگوت» نویسنده، «کوتار» نویسنده «ونتوی»، موسیقی‌دان، «الستیر» نقاش و «راشل» بازیگر ترازوی. به نظر می‌رسد که موضوع خلاصه‌ای از جامعه معاصر است.

آمیختگی این دو دنیا باعث می‌شود «اودت» معشوقه «دوک دوگرمانت» می‌شود و همسر او با دوشیزه «وردورن» ازدواج می‌کند. «روبر دوسن - لو» با «ژیلبرت» دختر «سوان» و «اودت» ازدواج می‌کند. این وصلت‌های نامتناسب، مقدمات سمبلیک جامعه دیروز را نشان می‌دهد که در دنیای امروز در حال واژگون شدن هستند.

شخصیت راوی

محل‌های کودکی راوی همان جاهایی هستند که «مارسل پروست» در آن جاها زندگی کرده است و به ویژه «ایلیه» (کومبره) در کرانه‌های «لوار»، نزدیک «شارتر». شخصیت‌هایی که پروست کوچک را در احاطه خود دارند. مادر بزرگش، عمه‌اش «لئونی» تا «فرانسواز» آشپز که معرفت طبقه زحمتکش است. همان‌طور که پروست همین کار را کرده بود، راوی، هنر و نیز را نمایان می‌کند. او مجذوب تئوری‌های منتقدانه «ژان دوسکن» شده است. او شیفته موسیقی و نقاشی در اوج امپرسیونیسم می‌شود. برعکس پروست، راوی به شکل آشکارا همجنس‌باز نیست. او عاشق «ژیلبرت سوان» می‌شود که با او در «بالیک» (کاپور) آشنا می‌شود. جایی که او

دریچه

ژان کریستف



G موسیقی و موسیقی‌دان هادرعین حال الهام بخش ده جلد رمان بلند «ژان کریستف» می‌شوند که از سال ۱۹۰۴ - ۱۹۱۲ منتشر می‌شود. زندگی پرهیجان یک جوان موسیقی‌دان از لهالی سواحل رن، نوعی حمله جوانمردانه فراملی، درباره هوش، فرهنگ و عشق رقم می‌زند. این حماسه به «روح‌های آزاده» می‌پردازد و در نظر دارد پیام‌زده که «آینده متعلق به وحدت بین انسان‌هاست، وحدتی که در آن عشق‌ها و نفرت‌ها در آشتی با طبیعت ذوب می‌شوند. سیمای اروپایی «ژان کریستف» نمونه یک نابغه است چرا که توانسته است فراتر از حد معمول ارتقاء یابد و با همان حساسیت، رنج‌ها و شادی‌ها را درک کند. «ژان کریستف» کتاب ارزشمندی است که برای آموختن درس‌های شجاعت و جوانمردی باید آن را خواند.

تعطیلاتش را می‌گذرانند. بعداً شیفته «آلبرتین» می‌شود که دلهره‌های حسادت را تحمل می‌کند. بنابراین «پروست» عشقی را تحلیل می‌کند که به تدریج از افسون‌اش عاری می‌شود. نقصان یافتن احساسات به وسیله رمان و «تواترهای قلبی» معلول ویرانی‌هایی هستند که زمان بر ما تحمیل می‌کند. «آلبرتین» سمبل عشقی است که تهدید به شکست شده است.

مقایسهٔ بارون دوشارلو با بالزاک

«بارون دوشارلو» بدون شک یکی از مستحکم‌ترین و مشوش‌کننده‌ترین شخصیت‌های ادبیات فرانسه است. می‌توان او را با «ووترن» بالزاک - به دلیل همجنس‌بازی‌هایشان - مقایسه کرد. اما «ووترن» به قصد جاه‌طلبی، عشق را با «راستینیاک» یا «رومپیره» تجربه می‌کند، در حالی که «شارلو» فقط به شخصیت‌های متوسط یا بی‌ارزش علاقمند می‌شود. پروست با بی‌رحمی کاریکاتوری از احساسات را به نمایش می‌گذارد تا بیان کند که اخلاق نمی‌تواند تاب بیاورد مگر مثل یک تحراف. اما او به عنوان اولین نفر این جرأت را دارد که تحلیل شجاعانه‌ای از «عشقی که جرأت نمی‌کند نامش را بگوید» ارائه دهد.



۲. بحران اندیشه

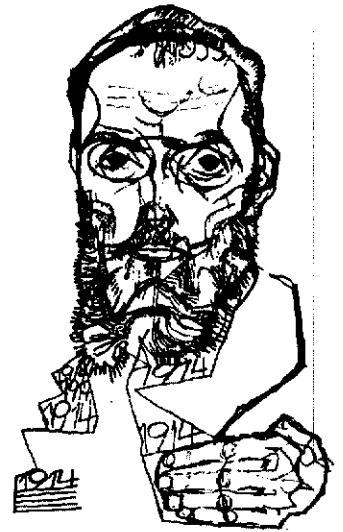
تفرقه در افکار عمومی فرانسه، آشفتگی‌هایی که جامعه سنتی را تحت تأثیر خود قرار داده و تشدید اجتناب‌ناپذیر یک تعارض اروپایی، به غیر از بحران، حاصل دیگری ندارد.

جناح چپ

«ژان ژوزه» (۱۸۵۹ - ۱۹۱۴) طرفدار بی‌قید و شرط صلح، دشمنی میهن‌پرست‌ها را به سوی خود جلب کرد که گمان می‌کردند جنگ برای فرانسه موقعیتی بود تا انتقام خود را از شکست ۱۸۷۰ بگیرند. «ژوزه» در ۳۱ ژوئیه ۱۹۱۴ کشته می‌شود چرا که او فکر جنگ را مردود می‌دانست. بینش بشر دوستانهٔ سوسیالیستی او اشخاص مختلفی مثل «رومن رولان»، «شارل یگی» و «آنتول فرانس» را مجذوب خود می‌کند.

دریچه

دو هفته نامه



G باخیزش همزمان کارگران و دهقانان

شارل پگی، در آغاز جذب سوسیالیسم می شود که یکی از نوجویانه ترین اندیشه های دوره او است. به نظر می رسد که در وجودش نیروی ستیزه جویی وجود دارد که نمی تواند اندیشه های معمولی را بپذیرد. او در مقابل نکتین ها نافرمانی می کند و آن ها را با ایده آل های خاص خودش منطبق می سازد. او این استعداد های مبارزه ای دنیولوژیک را در خدمت مجله ای قرار داد که در سال ۱۹۰۰ پایه گذاری کرد. (دو هفته نامه). این مجله راهی به سوی ادبیات، سیاست و مذهب است. پگی به این وسیله برای آزادی عقیده و بر ضد تعصب می جنگد.

در تمثیل خیالی جزیره پنگوئن ها (۱۹۰۸) کاریکاتوری از جامعه فرانسه سال های ۱۹۰۸ - ۱۹۰۶ ارائه می شود. «آنا تول فرانس» پیر (۱۹۲۴ - ۱۸۴۴) فضیلت هایی را که جامعه بر آن ها متکی است به ریشخند می گیرد: جان دادن به خاطر ثروت، احساسات مقدس مآبانه و به ویژه تن دادن به پستی هایی که مبنای نظام است.

ناسیونالیسم پرشور

بیان نیاز به ائتلاف ملی از طرف «ژول رومن» باعث ایجاد جنبش همبستگی^{۱۱} (l'unanimisme) می شود و «پل فور» مجموعه قصه های فرانسوی، اش (۱۹۴۹ - ۱۸۹۷) را به احترام افتخارات فرانسه ای که «شارل پگی» آن را در «ویکتور ماری» کنت هوگو (۱۹۱۰) می ستاید، ادامه می دهد.

شارل مورا و «مورس باره» به توبه خود از فضیلت های میهن پرستانه تجلیل می کنند.

رومن رولان ۱۸۶۶ - ۱۹۴۴ یا سوسیالیسم انسان گرا

«رومن رولان» عضو «نومال»^{۱۲} و روشنفکر چپ، مثل «شارل پگی»، اندیشه و نیرویش را در خدمت یک ایده آلیسم پرشور قرار می دهد. او می خواهد ثابت کند که نوابغ آلمان و فرانسه همدیگر را تکمیل می کنند. او تا سال ۱۹۳۷ نفوذ روی جریان های اندیشه صلح طلب و انقلابی را آزمایش می کند. او شیفته سرنوشت افراد بزرگ می شود و در بیوگرافی های «میکل آنژ»، «تالستوی» و «گاندی» را بررسی می کند. او عاشق موسیقی است. زبانی که فراتر از ملیت ها ارتقاء می یابد و باید انسان ها را متحد کند. او «هندل» را از ورطه فراموشی نجات می دهد و زندگی و آثار بتهوون را در یک اثر بنیادی تحلیل می کند (۱۹۰۳).

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شارل مورا ۱۸۶۸ - ۱۹۵۲ یا تعهد های شدید

شارل مورا، در سال ۱۸۸۶ کار خود را با روزنامه نگاری آغاز کرد. او در ماجرای دریفوس موضع گیری می کند و به صف ضد دریفوس ها می پیوندد و به این طریق مبارزه سیاسی اش را علیه چپ آغاز می کند.

در سال ۱۸۹۹ همراه «لئون دوده» روزنامه ای تأسیس می کند که تا سال ۱۹۴۴ ارگان تندترین ناسیونالیسم (l'action Francaise) است. اعتقادهای سلطنت طلبانه او موضوع مشاجره های قلمی بسیاری در طول نیم قرن بودند.

در تداوم جنگ ۱۹۱۴ او وحدت ملی در مقابل دشمن و ورود به یک جنبش میهن پرستانه پرشور را توصیه می کند و کم کم تعدادی نویسنده را حول محور اعتقادش متحد می کند. اما تعصبش نسبت به احیای سلطنت و نفرتش از احزاب چپ او را به اشتباهات مرگباری می کشاند. به خاطر طرفداری سیاست «مارشال پتن» در سال ۱۹۴۴ توقیف می شود و به دلیل همکاری هایش به حبس ابد محکوم می شود. او در عین حال به شدت مخالف با رمانتیسمی بود که همگام با دموکراسی بود. «مورای نویسنده در جستجوی هارمونی کلاسیکی است که نمونه آن را در فرهنگ و اساطیر باستانی پیدا می کند. (سفر آتن ۱۸۹۸) شاعر، در موسیقی درونی، (۱۹۲۵)، رساله نویسی در «بربریت و شعر» (۱۹۲۵). او تمام ژانرها را با مفهوم مشابه تعهد و نبرد برای ایده آلی که تعقیب می کرده لمس می کرد.

دریچه

نقد و مطبوعات

در قلمرو نقد ادبی سنت تهدید شده و اندیشه‌ها تقسیم شده‌اند. «امیل فاگه»، «فردیناند برونتیر»، «گوستاو لاسسون» و «ژول لومستر» در بررسی‌های‌شان درباره ادبیات فرانس، پای‌بند روش‌های قرن ۱۹ باقی می‌مانند. اما یک نقد جدید در حال تولد است. این نقد پیش از هر چیز بسیار ذهنی است. «تئودور دو ویزوا» با مطرح کردن دوباره ظرفیت‌های عاطفی، آن را به کار می‌بندد: «درک شدنی» بودن موضوعات مهم نیست بلکه آن‌ها باید «حس شدنی» و «دوست داشتنی» باشند. همین اصل «شارل یگی» را در «دو هفته نامه» به جنب و جوش وامی‌دارد و «رمی دوگورمون» مکرور دو فرانس را پایه‌گذاری می‌کند. روزنامه‌نگاران در طول جنگ نقش مهمی بازی می‌کنند. در سال ۱۹۱۴ در پاریس ۴۱ روزنامه سیاسی وجود دارد که در میان آن‌ها «اومانیت» (سوسیالیست) متعلق به «ژان ژوزه» و «اکسیون فرانس» (سلطنت طلب) متعلق به «شارل مور» دیده می‌شود. مطبوعات مدرن با شش میلیون نسخه در روز متولد می‌شود.

موریس باره ۱۹۲۳-۱۸۶۸
یا انرژی متراکم

«آیین من»

«موریس باره» در «وس ژس» متولد شده است. «لورن» در «تیه الهام بخش» (۱۹۱۳) قدرت سمبلیک سرزمین زادگاهش را بیان می‌کند که با اشغال تحقیرآمیز پروسی‌ها در سال ۱۸۷۰ داغ خورده است. وقتی به پاریس می‌رود خود را جوانی دیرباور و سرکش می‌یابد که در جست‌وجوی انضباطی عملی است. از همان آغاز قانع می‌شود که تنها ارزش سازنده، خودشناسی است. جست‌وجوی درونی باعث به وجود آمدن دوره سه جلدی «آیین من» می‌شود: زیرچشم بربرها ۱۸۸۸ - انسان آزاد ۱۸۸۹ - باغ برنیس ۱۸۹۱.

رمان انرژی ملی

اما «انرژی کامل با خویشتن» نمی‌توانست او را خشنود کند. در مقابل تهدیداتی که ملت را آزار می‌داد او احساس نیاز می‌کرد که باید نویسنده‌ای مبارز باشد. او بر حسب وظیفه، عقیده جمهوری خواهانه‌اش را در رمانی که انرژی ملت را توصیف می‌کرد اعلام کرد. در ریشه‌کن شده‌ها ۱۸۹۷، ندای سرپاز ۱۹۰۰، سیماي آن‌ها ۱۹۰۱، او می‌خواهد خلاقیت‌ها را بیدار کند و علیه آشفته‌گی‌ها بجنگد. در «کولت بودوش» (۱۹۰۹) احساسات نسلی از جوان‌های «آلزاس» لورن» را توصیف می‌کند که ۳۵ سال در اشغال آلمان‌ها بوده است. ناسیونالیسم، سنت‌گرایی و دکترین سرزمین و مرگ ایده‌هایی هستند که «باره» در سال‌هایی که خطر میهن‌اش را تهدید می‌کند شرح می‌دهد.

شارل یگی ۱۹۱۴-۱۸۷۳
یا سوسیالیسم عرفانی

«شارل یگی» که «ژندارک» خود را به همه مردها و زن‌هایی تقدیم کرده است که کشته شده‌اند و با مرگ انسانی خود درمان رنج جهانی بشر را طلب کرده‌اند، در سپتامبر ۱۹۱۴، هنگام فرماندهی گروهش، در اولین درگیری‌های نبرد «مارن» کشته می‌شود.

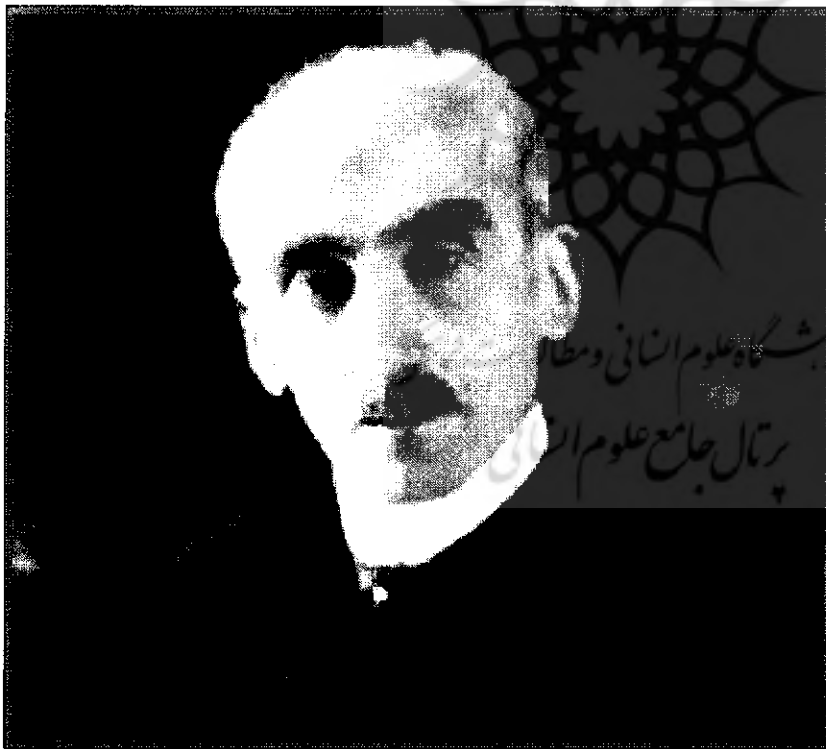
عرفان

می‌توان حدس زد که این سوسیالیست نافرمان نمی‌توانست به طور هم‌زمان کاتولیک هم باشد. از سال ۱۹۰۸ به بعد او سعی می‌کند اعتقادات سیلسی و باورهای مسیحی‌اش را آشتی دهد. این کودک اهل اورلئان، این مسافر شاتر، مقدس‌ها، کلیساهای تمثیل‌ها و عمارت‌هایی را که شور وطن پرستی را بهتر بیان می‌کنند می‌ستاید.

«یگی» دو درام براساس «ژندارک» می‌نویسد. اولی در سه پرده: «در دوم رمی»، «پیکارها»، «روان» (۱۸۹۷) و آن را براساس مستندات دقیق تاریخی دوباره مطرح می‌کند. او اولین ورسیون را با «راز» نوع دوستی ژندارک شروع می‌کند و به بررسی موضوع می‌پردازد. ژان شکست، سیاه‌چال، پیروزی و رنج را شناخته است. او به یاد می‌آورد که قبلاً به والدین‌اش دروغ گفته است و این دروغ عجیب همه زندگی‌اش را آلوده کرده است. یگی پیش از مرگ دوباره به این چهره سمبلیک و وطن پرست پرشور می‌پردازد. او تحت تأثیر آیه‌های کتاب مقدس، با زبانی فصیح و فراخ و با وحدتی شاعرانه و نفس طولانی، در افزایش تکرار مکررات تردید

نمی‌کند. شعر غنایی توانمندش در آن جا همچون موج، گسترده و هماهنگ گسترش می‌یابد. در رساله‌ای با عنوان «ویکتور - ماری کنت هوگو» (۱۹۱۰) بی‌آن که انگیزه‌اش را اعلام کند، کودکی‌هایش را در اورلشان، وابستگی‌های روستایی‌اش، اولین نویسنده‌های فرانسوی مثل «کورنی»، «راسن» و «هوگو» را تجسم می‌کند. این هجونا‌های است علیه آن‌چه او «فرقه روشنفکر» می‌نامد و به دلیل بی‌پیرایگی شهرستانی‌اش از آن بیزار است. او که نگران وضعیت فرانسه در سال ۱۹۱۳ است همچون شیفته‌ای غیرقابل انعطاف نمود پیدا می‌کند. گوشه‌گیری که برای فهمیدن راز قرون وسطی، میراث فرهنگی و مشاجره قلمی مدرن درام معاصر تلاش می‌کند.

هانری برگسون و الهام



با طرح مسئله خودگرایی و روح‌گرایی، بحران اندیشه به طور جدی آغاز می‌شود. این دو چشم‌انداز از اندیشه «بگی»، انگیزه‌ای قوی برای آثار «هانری برگسون» (۱۹۴۱ - ۱۸۵۹) شده است. او در «تحول آفریننده» (۱۹۰۷)، الهام را که با تحلیل گردن و سازمان دادن داده‌های ادراک، قدرت درک دارد مقدم می‌شمارد. جست‌وجوهای او درباره ادراک زمان و ارتباط آن با زندگی درونی، برای «مارسل پروست» تعیین کننده هستند.

اجبیات فردا در وضعیت روشنی است. انسان‌های جوان، آثار جدید و اندیشه‌های نوین آن را مهیا می‌کنند. اما باد جنگ جوانها یسست را تهدید می‌کند.

۱. آبرای «کلود دبوسی» در ۱۹۰۲، قبل از ستایش بهار استراوینسکی (۱۹۱۳) اولین رسوایی موسیقایی قرن است.
۲. خاطرات حشرشناسی ۱۹۰۷ - ۱۸۷۹
۳. Galligramme شعر مصور
۴. Saynète کمدی کوتاه با دو یا سه پرسوناژ
۵. Sketch نمایش کوتاه در تئاتر و سینما
۶. Morris عمارت کوچکی به شکل ستون که برای آگهی‌های تئاتر در پاریس به کار می‌رود. این ستون به نام کسی است که آفیش‌ها را چاپ می‌کرد.
۷. Louis - Ferdinand céline نویسنده فرانسوی (۱۹۶۱ - ۱۸۹۴) صاحب اثر: «سفر به انتهای شب»
۸. این سه جلد از مرگ «مارسل پروست» چاپ شده‌اند. «مارسل پروست» در سال ۱۹۱۹ برای «در سایه دوشیزگان شکوفا» برنده جایزه گنکور شده است. جایزه گنکور از سال ۱۹۰۱ به طور مرتب اهدا شده است.
۹. «ژان روسکی» (۱۹۰۰ - ۱۸۱۹) که پروست آثار او را ترجمه کرده است پیشوای مکتب Préraphaé lite است که بازگشت به هنر قرون وسطی (البل از رافسانل) در زیبایی و طبیعت را توصیه می‌کند. به همان گونه که روسکن آن را سفارش می‌کند، پروست به نوبت خود روی این واقعیت‌های آشکار به دقت پژوهش می‌کند و تلاش می‌کند آن را با همان صحت و درستی ارائه دهد.
۱۰. Unanimisme شیوه ادبی است که بر طبق اصول آن، نویسنده باید در درون روح فردی قهرمان آثار خود، روح جمعی را که هر گروه بشری جلوه‌گر است بیابد و وصف کند.
۱۱. Nomal مدرسه عالی نوماال در خیابان «اولم» پاریس بود که تعدادی از نویسندگان و فیلسوف‌های قرن ۲۰ آن را تأسیس کرده بودند.